

## سهل و ممتنع‌های دیپلماسی

توافق هسته‌ای در دولت دوم ترامپ و جهانی به غایت تغییر یافته از چه چشم‌اندازی برخوردار خواهد بود

### ◀ فروپاشی یک ائتلاف نامتجانس

این فضا اما صرفاً مختص دوره‌ای نیست که در آن پای «ترامپ» به کاخ سفید باز شده است. بحران میان تهران و واشنگتن بیش از چهل سال است که هم و غم جامعه جهانی را معطوف خود کرده است و آثار و تبعات آن به سیاست‌گذاری‌های فردی صرف منحصر نمی‌شود. با این حال دوره تازه‌ای که «ترامپ» آغازگر آن بوده دیگر شبیه جهانی نیست که در دور اول ریاست جمهوری‌اش تجربه کرد؛ دوره‌ای که در آن موفق شد جبهه یکپارچه‌ای در جامعه جهانی شکل دهد و با تحریم و تهدید، مناسبات و همکاری‌های ایران با دیگر کشورهای عربی منطقه را مختل کند. بنابراین هرچند او سعی بر تکرار آنچه دارد که در دور اول ریاست جمهوری‌اش علیه ایران خواست و انجام داد، اما حالا به نظر می‌رسد ائتلاف نامتجانس بر سر به شکست کشاندن مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب و نگرانی از بابت بازگشت ایران به ایفای نقش طبیعی خود در اثر حل‌وفصل اختلاف‌ها فروپاشیده است.



مریم سالاری  
دبیرکروه دیپلماسی

### ◀ گفت‌وگواز جایگاهی برابر

در چنین شرایطی بسیار مهم است که در این دوران گذار، دولت مسعود پزشکیان با جدی گرفتن خطر دولت ترامپ در حفظ و بهبود روابط سیاسی خود با بازیگران مهم منطقه‌ای و دفع «ایران‌هراسی» و جلب حمایت افکار عمومی مداومت به خرج دهد. پزشکیان در مواجهه‌ای که پس از امضای دوباره ترامپ پای سیاهه زیاده‌خواهانه‌اش درباره ایران داشت، ایالات متحده را به جست‌وجوی راه‌حل‌های مثبت و سودآور به جای سیاست شکست‌خورده افزایش فشار بر ایران دعوت کرد. او با محتمل دانستن امکان حل‌وفصل پرونده هسته‌ای در صورت انجام اقدامات عملی که ایران را نسبت به بهره‌مندی اقتصادی واقعی از توافق مطمئن سازد؛ ساکنان کاخ سفید را صریحاً مخاطب قرار داده و گفته است: «ایران آماده مذاکره شرافتمندانه و برابر است، اما نه زیر چتر زور و فشار». اینچنین است که دولت او آماده است مذاکراتی از جایگاه برابر درباره توافق هسته‌ای انجام دهد. ▶

۱۶ بهمن امسال بود که «دونالد ترامپ» مستأجر پرهیاهوی کاخ سفید چند هفته پس از بازگشت پرسروصدایش به مسند ریاست جمهوری به سکوت مرموز چندین و چند ماهه‌اش درباره ایران پایان داد و رسماً با امضای یک یادداشت اجرایی از دستورالعمل‌های از پیش تعیین‌شده‌اش علیه ایران سود جست و دوره جدیدی در فصل بحران رابطه میان ایران و آمریکا رقم زد. اما آنچه از بازی «ترامپ» با کلمات و حتی دلجویی نمایی او با مردم ایران مهم‌تر بود؛ آغاز جنگ اقتصادی علیه کشورمان بود. او در بخشی از سخنان جدیدش پیرامون ایران ادعا کرده است: «سیاست ما ممانعت از دسترسی ایران به تولید سلاح هسته‌ای و همچنین متوقف کردن نقش آفرینی منطقه‌ای آن در مسیر ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی است». «ترامپ» اما این راه هم افزوده که دوره برای متوقف کردن ایرانی‌ها وجود دارد؛ «بیماران یا با یک نکه کاغذ مکتوب». بدیهی‌ترین معنایی که از این جمله به‌دست می‌آید، تهدید یا اقدامی سخت علیه ایران است. تا اینجا کار سخن گفتن از تهدیدی نرم به تهدید سخت تبدیل شده است که اگرچه در «تهدید»

مشترک است، اما به‌کارگیری توأمان این دو مفهوم، تلقی رویکردی شتابزده و بی‌برنامه از سیاستمداری را نشان می‌دهد که به هر طریق ممکن می‌کوشد تا فرآیند حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران و برجام را تحت‌الشعاع خود قرار دهد؛ نگاهی که «ترامپ» سعی دارد با رفتاری یکجانبه توافقی بین‌الاطراف را که طرف‌های دیگر از جمله اروپا، روسیه و چین را نیز درگیر خود کرده است، به هیچ بگیرد؛ سیاستی که همچنان ردپای نگاه «هنری کسینجر»، وزیر خارجه اسبق آمریکا از قائلان به نظریه واقع‌گرایی و نقش قدرت در شکل‌دهی روابط بین‌الملل در آن دیده می‌شود که معتقد بود «ما باید بحران در هر کشور را با توجه به شرایط موجود و فرهنگ و تاریخچه همان کشور مدیریت کنیم». این مسأله به ما اجازه می‌دهد که انگیزه‌ها را محک بزنیم و البته بهترین پاسخ‌ها را بیابیم. او می‌کوشد ذیل این سیاست تنش‌آفرین امنیتی‌سازی پرونده ایران را دنبال کند.

